



RISK DOCTOR BRIEFING



همه اش در مورد اهداف است

© October 2009, Dr David Hillson PMP HonFAPM

david@risk-doctor.com

ساده ترین تعریف ریسک به عنوان "عدم قطعیتی که اهمیت دارد"، دو راه ساده برای آزمایش اینکه چیزی واقعا ریسک هست یا نه به دست می دهد. نخستین و آشکارترین مشخصه ی یک ریسک درست این است که **عدم قطعیتی** است. اگر چیزی یک واقعیت، محدودیت، نیازمندی یا مشکل باشد، ریسک نیست. گر چه همه ی عدم قطعیت ها نیز ریسک نیستند، که این موضوع باعث می شود ما آزمایش دوم را درباره ی یک ریسک واقعی انجام دهیم: آیا آن **اهمیت** دارد؟ اکثر عدم قطعیت های دنیا ریسک نیستند، چرا که آنها نامربوط اند. تنها دلیلی که ما برای شناسایی، درک و مدیریت ریسک ها نیاز داریم این است که آیا آنها اهمیت دارند یا نه.

چگونه می توانید بفهمید آیا یک ریسک اهمیت دارد یا نه؟ دوباره یک راه ساده وجود دارد: آیا اگر آن روی دهد، بر دستیابی به یک یا تعداد بیشتری از **اهداف** تاثیر می گذارد؟ اهداف آنچه را اهمیت دارد مشخص می کنند. در پروژه ها ، اهداف درباره ی نیازمندی های خروجی ها، اقلام قابل تحویل، زمان، هزینه و عملکرد سخن می گویند. اهداف شخصی ممکن است مربوط به سلامتی، مسیر حرفه ای، خانواده یا سرنوشت باشد. اهداف سازمان ها ممکن است شامل رشد ارزش سهام، افزایش رضایت مشتریان، حمایت از اعتبار و عمل کردن قابل اطمینان باشند.

این ارتباط روشن میان **ریسک و اهداف** مشخص می کند که چرا مدیریت ریسک در همه ی جنبه های کوشش های بشری تا بدین اندازه اهمیت دارد:

- فرآیند ریسک **نیازمند اهداف تعریف شده ی واضح است**. تعیین ریسک ها بدون یک بافتار (Context)، شدنی نیست. ما نخست باید بدانیم چه چیزی **ریسکی** است، چه چیزی اهمیت دارد، چه چیزی را داریم سعی می کنیم به دست آوریم. تنها پس از این است که ما می توانیم ریسک هایی را که ممکن است روی اهداف تاثیر بگذارد پیدا کنیم. جایی که اهداف آشکار نباشند، فرآیند ریسک ما را مجبور می کند تا توقف کنیم و پیش از اینکه بتوانیم بیشتر پیش برویم اهداف را شناسایی کنیم.
- طبیعت پیشینی و پیشرو فرآیند ریسک **فضایی مدیریتی ایجاد می کند**، به ما زمانی برای فکر کردن، واکنش نشان دادن و در نظر گرفتن بهترین راه برای پاسخگویی، می دهد. استفاده از فرآیند ریسک به عنوان یک رادار جلوبین به ما برای در نظر گرفتن عدم قطعیت هایی که ممکن است روی اهدافمان تاثیر بگذارند اعلان های زود هنگامی می دهد.
- فرآیند ریسک **عدم قطعیت های خاصی را شناسایی می کند** که ما می توانیم آنها را پیگیری کنیم. این عدم قطعیت ها هم شامل خطراتی است که می تواند پیشرفت ما را به تعویق اندازد و هم فرصت هایی که می تواند به ما کمک کند. فرآیند ریسک با نشان دادن پیشاپیش این عوامل، به ما شانس برای انجام دادن برخی چیزها پیش از اینکه خیلی دیر شود می دهد. جایی که اقدامات پیشاپیش ممکن نباشد، ما برای تصمیم گیری در مورد برنامه های احتمالات -Contingency Plans- یا شاید تغییر جهت یا حتا توقف همه چیز فرصت داریم.
- رتبه بندی ریسک ها از طریق تاثیر بالقوه ی آنها بر اهداف (همانگونه که شانس روی دادن آنها) این اطمینان را ایجاد می کند که ما **بیشترین توجه را به ریسک هایی می کنیم که بیشترین اهمیت را دارند**.
- پاسخ های ریسک هدف گذاری شده ی مناسب باید از طریق از بین بردن یا کاهش دادن بخش مهمی از تاثیرات منفی خطرات روی اهداف ما، **شانس ما در دستیابی به اهداف را بیشینه سازد**. آنها باید ما را در تسخیر برخی فرصت ها و تبدیل آنها به منافع واقعی، برای تولید بهترین خروجی کمک کنند.

ما با مطمئن شدن از اینکه اهداف واضحی داریم، می توانیم پیشاپیش در مورد آنچه احتمالا روی اهداف تاثیر می گذارد فکر کنیم و ریسک های مهم را شناسایی کنیم و این موضوع ما را در پیدا نمودن راه های مناسب برای بررسی آنها کمک می کند. فرآیند ریسک به ما بهترین شانس را برای دستیابی به اهدافمان می دهد. البته به همین دلیل است که مدیریت ریسک به عنوان یک عامل اساسی برای موفقیت در تجارت، پروژه ها و دیگر زمینه های زندگی تشخیص داده شده است.

دلیل مهم دیگری نیز در ارتباط داشتن ریسک ها با اهداف وجود دارد. اگر ریسک "عدم قطعیتی است که اهمیت دارد"، مشخص است که چیزهای مختلفی برای افراد مختلف اهمیت دارند، چرا که آنها اهداف متفاوتی دارند. ریسک برای یک رئیس، یک مدیر میانی، یا یک کارگر خط مقدم (کارگر کف کارگاه) هم معنی نیست. اگر در سازمانی اهداف همسو و مرتبط با هم وجود داشته باشد، اجرای نگرشی یکپارچه برای مدیریت ریسک ساده است. بسته به اینکه کدام اهداف از ریسک تاثیر می پذیرند می توان آنها را به سطوح مختلف سازمانی تخصیص داد. هر کسی ریسک هایی را که در سطح خودش در سازمان باید مدیریت کند درک می کند، چرا که آنها تنها می توانند روی ریسک هایی که روی اهدافشان تاثیر می گذارد تمرکز کنند. مدیریت ریسک سازمانی بستگی به داشتن اهداف واضحی در سطح سازمان دارد.

جای تردید وجود ندارد – وقتی چیزی ریسک می شود، همه اش در مورد اهداف است!